

رشد و توسعه

کتابخانه‌های اسلامی*

عبداللطیف عبدالله بن دوحیش

ترجمه احمد شعبانی** و محمود تفقیدی جامی***

آشاره:

کتابخانه در جامعه اسلامی از مؤسسات مهم و مؤثر در رشد و توسعه تمدن اسلامی است. با گسترش تمدن اسلامی، شمار و انواع کتابخانه‌ها فزونی یافت. این کتابخانه‌ها مبتنی بر کتابخانه‌های عمومی، اختصاصی، مدارس، مساجد، حکام و شخصی بوده که توسط خلفا، امرا، و حاکمان تأسیس شده بود. در این مقاله، جنبه‌های متنوع توسعه آموزش و پرورش و استقرار کتابخانه به منزله سازمان‌های کمک آموزشی مورد ارزیابی قرار گرفته و فهرستی از کتابخانه‌های مهم جهان اسلام در گذشته تاریخی ارائه می‌شود. واژه‌های کلیدی: آموزش و پرورش اسلامی - کتابخانه‌های اختصاصی - کتابخانه‌های اسلامی - کتابخانه‌های عمومی - کتابخانه‌های مساجد - نظامیه‌ها.

مقدمه مترجمان

مقاله «رشد و توسعه کتابخانه‌های اسلامی» از محقق عرب، عبداللطیف عبدالله بن دوحیش ساکن مکه مکرمه، از مقالات

جانبداری است که حاوی اطلاعات غنی از منابع عربی در حوزه کتابخانه‌های اسلامی می‌باشد. برخی از این اطلاعات برای نخستین بار در اختیار خواننده فارسی زبان قرار می‌گیرد. آن دسته از افراد که تعلق خاطر به تاریخ کتابخانه‌های عربی و اسلامی در اعصار قدیم دارند، به واقع از یادداشت‌های علامه فقیه محمد قزوینی و جوانب گفتاری آن دانشمند فاضل در یادداشت‌های قزوینی در جلد هشتم صفحات ۱۹۴-۱۹۸ آگاهی داشته که مجدداً در فصلنامه کتاب (دوره یازدهم، شماره سوم، ۱۳۷۹) تحت عنوان «مسائل کتابداری در یادداشت‌های قزوینی» در صفحات ۱۰۰-۱۰۸ تجدید چاپ شد.

مباحثی که این دوحیش ارائه می‌کند به واقع جای تأمل و دقت در آثار پژوهشگران ایرانی دارد، و فصلی نو را در آثار فعلی می‌گشاید که همچون مقاله محقق معروف اردنی، ریحی مصطفی الایان موسوم به «تاریخ کتابخانه‌های اسلامی از قرن هفتم تا چهاردهم میلادی» در مشکوة (شماره ۳۵، تابستان ۱۳۷۱) در صفحات ۲۶-۴۶ می‌باشد. در ترجمه این اثر، به منظور دقت در ترجمه اعلام، از آن جمله نام کسان، امکان، و عناوین کتب و رسائل که به کثرت در متن آمده، از دیدگاه‌ها و فضل بی‌کران اندیشمند مقیم شیراز علی اصغر سیفی به میزان درخور بهره‌جویی شد. مترجمین از شکیبایی آن استاد و از دقت نظر در تأثیرگذاری بر ترجمه حاضر سپاسگزاری می‌کنند.

*

موجودیت کتابخانه در جامعه اسلامی بیانگر رشد و توسعه تمدن اسلامی بوده، زیرا نتیجه و انعکاس این گونه جوامع محسوب می‌شود. با گسترش تمدن اسلامی، شمار کتابخانه‌ها افزایش یافت و وجود آنها متنوع گردید. این کتابخانه‌ها، مشتمل بر

* مشخصات مقاله به قرار ذیل است:

Ibn Dohish, Abdul Latif Abdullah. "Growth and Development of Islamic Libraries" Der Islam. 66, No.2 (1989) PP. 289-303.

** عضو هیات علمی گروه کتابداری و اطلاع‌رسانی دانشگاه اصفهان.

*** کارشناس ارشد کتابداری و اطلاع‌رسانی.

انواع کتابخانه‌های عمومی مساجد، مساجد جامع، مدارس و بیمارستان‌ها، و کتابخانه‌های حکومتی^۱ بود که توسط خلفا، امرا و حکام، و موارد شخصی متعلق به علمای مذهبی، فقها و دیگران تأسیس شده بود. بیشتر اندیشمندان دنیای اسلام بر این عقیده‌اند که رشد کتابخانه در اسلام، نتیجه موجودیت مسجد بوده که رابطه نزدیکی با آن داشته است. حلقه‌های درس^۲ در علوم مختلف اسلامی در چنین مساجدی تشکیل می‌شد. بدین ترتیب، مسجد الحرام در مکه مکرمه و مسجد النبی در مدینه منوره و مساجد بسیار دیگری در مناطق فتح شده، میعادگاه افراد و گروه‌هایی بود که به دنبال فراگیری دین اسلام و ویژگی‌های آن بودند. یک روحانی در این مساجد می‌نشست و مریدان به دورش حلقه می‌زدند. وی آنچه را که مربی درباره دین و دنیا به او آموخته بود، به آنها آموزش می‌داد. در برابر، طلاب این سخن‌ها را به نقل از استادان نوشته و جمع می‌کردند. بعدها این مجموعه‌ها کتب و آثار طلاب مزبور می‌شد. این شکل بیانگر آغاز حلقه‌های درسی و جلسات امالی بود. مورد ثانوی، یعنی جلسات امالی با ظهور کتاب‌های متعددی تحت عنوان امالی به ثمر رسید. حاجی خلیفه در کشف‌الظنون فصلی ویژه را به آن اختصاص داده است. از جمله این موارد، کتاب‌های امالی القالی، ثعلب الزجاجی، ابن درید، و بدیع الزمان همدانی است.^۳

در آغاز قرن دوم هجری، نهضت تألیف تحول یافت و توجهی لازم در مرحله نخست به تألیف سنن نبوی و بعد به مغازی و سیر شد. زیرا این موارد کمک قابل توجهی در مطالعه قرآن کریم و احادیث نبوی بود. سپس دوران تألیف کتاب در رشته‌های متفاوت مطالعات اسلامی و عربی پدید آمد. بر این قرار کتب در سطح گسترده‌ای تألیف شد و تعداد آنها به سرعت افزایش یافت. مؤلفین این آثار، معمولاً نقل قول‌هایی از یک سلسله مفسرین نقل می‌کردند که میزان اعتبار و اطمینان سخن آنها آشکار می‌شود.

قرن دوم هجری نیز دوران توجه وافر و انتظار فوق‌العاده در فعالیت‌های ترجمه بود. ابن جُلْ جُلْ در طبقات نقل می‌کند که اثر احرار بن اعین در طب به دوره مروان بن الحکم به عربی ترجمه گردید و این که عمر بن عبدالعزیز آن را برای استفاده عموم آماده ساخت. این موضوع موجب تألیف و کثرت کتب در انواع رشته‌های علوم اسلامی شد. از آن جا که کتاب‌ها در صحن^۴ و عظم مساجد به وجود می‌آمد، کتابخانه‌ها نیز در چنین مکان‌هایی راه اندازی گردید. بدان سبب است که مسجد در اسلام نه تنها محل عبادت، بلکه مرکز نشر پیام اسلامی و سرچشمه تفکر نظری نیز می‌باشد.

ظاهراً کتابخانه‌های مساجد نخستین کتابخانه‌هایی هستند که

مسلمانان در اسلام تأسیس کردند. در بین مسلمین رسم بود که در طول دوران اسلام نسخه‌هایی از قرآن، کتاب‌های تفسیر، حدیث، فقه، و عقاید که توسط عالمان دینی تألیف شده به مساجد سپرده می‌شد. این آثار در مساجد حفظ می‌گردید، تا مردمی که برای عبادت به آن مکان مقدس آمده و یا به فراگیری و مطالعه علاقه مند بودند از آنها بهره‌مند شوند. بر این قرار، هر اندازه که مسجد محل عبادت بود، مرکزی برای مطالعه در انواع رشته‌های علمی نیز برای سطوح متفاوت محسوب می‌شد. تدریس در مساجد برای مدت زمان طولانی قابل ملاحظه‌ای ادامه داشت تا این که در سال‌های بعد، مدارس نظامیه در اواسط قرن پنجم هجری قمری تأسیس شد. با این احوال، حتی بعد از تأسیس مدارس نظامیه، مساجد به ایفای نقش خود می‌پرداختند. در حاشیه بیشتر این مساجد، به ویژه موارد برجسته آن کتابخانه‌هایی انباشته از کتاب و نسخ خطی ارزشمند قرار داشت. برخی مساجد مهم مراکز روشنفکری ادبی مهمی بودند که با اشتیاق مطالعه در آنها پی‌گیری می‌شد و طلاب و مدرسین از سراسر گیتی به سوی آنها سرازیر می‌شد. حلقه‌های درس در این مساجد تشکیل می‌شد، دقیقاً به شکل مواردی که در مسجد الحرام مکه، مسجد النبی مدینه منوره، مسجد الاقصی بیت المقدس، و به مانند دیگر مساجد معروف ممالک مختلف اسلامی، چونان الازهر در قاهره، مسجد الاموی در دمشق، و دیگر مساجد در بغداد، تونس، مغرب، اندلس و دیگر بلاد تشکیل می‌گردید.

این مساجد مجموعه کتاب‌های مهمی در موضوعات گوناگون را دربرداشت. آنها دارای آثار وقفی و اهدایی بودند که توسط علمای اسلامی در دوران گذشته به رشته تحریر در آمده بود. به نظر می‌آید، مرسوم بود که بسیاری از علما بعضی از کتاب‌ها و یا کلیه کتابخانه خود را به عنوان وقف به مسجد قریه یا شهر خود اهدا می‌کردند. به همین لحاظ، ابن خلکان نقل می‌کند که ابونصر احمد بن یوسف السلوکی المنازی (متوفی ۴۳۷ق/ ۱۰۴۵م) مجموعه کتاب بزرگی داشت که به صورت وقف به جامع میافارقین و جامع اسد اهدا کرد. در زمان او، کتاب‌های مزبور در هر دو مسجد، محفوظ باقی ماند و به عنوان آثار المنازی معروف بود.^۵ به علاوه برخی از خلفا و حکام رسم

1. The State Library

۲. حلقة الدرس.

۳. عبدالستار الحلوجی، لمعات من تاریخ الکتب والمکتبه، ص ۳۳.

4. Halls

۵. وفیات الایمان و انباء الزمان، چاپ محی الدین عبدالحمید (مکتبه النهدا المصریه، قاهره، ۱۹۴۸)، ج ۱، ص ۱۲۶.

مکتوب به خط خودش بود. علاوه بر این، اسماء دختر امیه، صاحب کتابی (رساله ای) بود که در آن تعدادی از احادیث پیامبر (ص) را جمع آورده بود. به علاوه، ابوهریره کتاب های (رساله های) بسیاری مشتمل بر حدیث داشت. همچنین عبدالله بن عمر بن عاص عادت به حفظ کتاب هایش (رساله) داشت و صحفی (رساله ای) را که در صندوقی با حلقه هایی می بست، نگاهداری می کرد. به مانند او، عبدالله بن عباس کتاب های بسیاری داشت که وزن آنها به یک بار شتر می رسید.^۹

همچنین عبدالله بن عمر صاحب تعداد زیادی کتاب بود که شامل آثار نایاب و برجسته بسیاری می شد. هرگاه به بازار کتاب می رفت، کتب را ورق می زد. چونان وی، عروة بن الزبیر کتاب های زیادی داشت که در جنگ حرّاً در آتش سوخت. وی از فقدان آنها محزون شد و گفت: «آرزو داشتم که کتاب ها را برای اقوام و وراث خویش می گذاشتم.»^{۱۰}

ابوقلابه عبدالله بن زید، شخصیت مشهوری که کتاب هایش را به ایوب السختیانی وقف کرد، هنگامی که کتب را برای وی به ارمغان آوردند، وزن آنها به اندازه یک بار شتر بود. حسن البصری در این باره گفت: «بعضی انسان ها معظم هستند؛ آنها از این کتب مراقبت خواهند کرد.»^{۱۱} در عصر امویان و عباسیان دانشمندان بسیار زیادی می زیستند که خود را وقف جمع آوری و حفاظت کتاب در علوم و زبان های مختلف کرده بودند. معروف ترین آنها ابن شهاب الزهری (متوفی ۱۲۴ق) بود که صاحب مجموعه بزرگی از کتاب بود. در منزل، وی خود را وقف مطالعه کرده و پیرامون وی از کتب انباشته بود. مؤانست بیش از حد او با کتاب موجب شد تا روزی همسرش اظهار کند: «سه زن دیگر را در خانه در برابر عشقش به کتاب ترجیح می دهم.»^{۱۲} ابو عمر بن العلاء (۱۵۴-۱۷۰ق) عالم دیگری بود که نه تنها صاحب مجموعه بزرگی از کتاب بود، بلکه چندین کتاب در زمینه علم بلاغت^{۱۳} عربی نوشته بود.^{۱۴} فراتر از این مطالب، کتابخانه هایی منسوب به جابر بن حیان (متوفی ۲۰۰ق) و امام الشافعی (متوفی ۲۰۴ق)

داشتند بسیاری موارد ارزشمند را به مساجد اهدا کرده تا در مقابل ثواب آن را از خداوند دریافت کنند. این گونه موارد گاهی اوقات شامل کتاب نیز می شد. یاقوت حموی نقل می کند که وقتی شهر مرو را در سال ۱۶۱۶ق/۱۲۱۹م ترک کرد، ده کتابخانه وقفی وجود داشت که مشتمل بر مجموعه های بزرگی از کتاب بود که در هیچ نقطه گیتی در آن دوره پیدا نمی شد. دو مورد از این گونه کتابخانه ها در مسجد جامع واقع بود. مجموعه یکی از آنها به حدود دوازده هزار جلد بالغ می شد.^۶ مثالی از کتابخانه های اسلامی همراه با مساجد، هنوز هم در طی روزگار ما در اکثر کشورهای عربی و اسلامی قابل مشاهده است، از جمله مسجد الحرام در مکه مکرمه، مسجد النبی در مدینه منوره، جامع الازهر در قاهره، جامع بنی امیه در دمشق، جامع الزیتونه، جامع المنصور در تونس، جامع المنصور در بغداد، مسجد قرطبه، طلیطله، بلاد المغرب والجامع الکبیر در صناعا. هریک از این مساجد دارای کتابخانه های بزرگ مملو از نسخ خطی منحصر به فرد و آثار چاپی در موضوعات گوناگون بوده و می باشند. در حالی که این کتابخانه ها در مساجد جای داشتند، صدها سال قبل تأسیس شده بودند. از این حیث، کتاب ها با موضوعات متنوع شامل مواردی بود که توسط حکام و علما اهدا شده و همواره به مرور زمان در طول دوران های تاریخ اسلام، شمار آنها رو به افزایش بود. ضمناً به نظر می رسد که در برخی از مساجد بزرگ بیش از یک کتابخانه وجود داشته است. بر این قرار، یاقوت می گوید: «در دوران وی دو کتابخانه از این موارد در الجامع الکبیر (مسجد اعظم) در مرو وجود داشت. یکی از آنها موسوم به «العزیزیه» بود. این کتابخانه توسط شخصی موسوم به «عزیزالدین ابوبکر» اهدا شده بود. کتابخانه مزبور دوازده هزار جلد کتاب داشت. یاقوت ادامه می دهد: «کتابخانه دیگر به نام «الکمالیه» بود و آشکار نیست که این کتابخانه منسوب به چه کسی بوده است.»^۷

باید اشاره کرد که این کتابخانه ها اغلب در معرض دزدی، غارت، آتش سوزی، و سیل بوده به طوری که موجب کاهش عظیم و خرابی کامل قسمت اعظم مجموعه های آنها می شد. به موازات کتابخانه های مساجد، نوع دیگری از کتابخانه ها نیز پدیدار شد. آنها کتابخانه شخصی (المکتبه الخاصه) بوده که در منازل جانشینان خلفا، حکام، و وزرا قرار داشت. به همین لحاظ گفته شده که سعد بن عباد، الانصاری صاحب کتاب یا کتبی بود که شامل مجموعه ای از احادیث پیامبر (ص) می شد.^۸ به همین قرار، عبدالله بن مسعود علاوه بر صحیفه معروفش (رساله ای شامل مجموعه ای از حدیث)، صاحب چندین رساله

۶. معجم البلدان، ج ۴، ص ۵۰۹.

۷. همان، ج ۸، ص ۳۵.

۸. اصول الحدیث، ص ۱۹۱. در جامع بیان العلم، ج ۱، ص ۷۲.

۹. ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۵، ص ۲۱۶.

۱۰. همان، ج ۵، ص ۱۳۳.

۱۱. الاجاج الخطب. المکتبه والبعث والمصدر، ص ۲۳؛ نیز عبدالرحمن

عمیره، ادواء الآله والبعث والمصدر، ص ۸۱.

۱۲. ابن خلکان، وفيات الایمان، ج ۳، ص ۳۱۷.

۱۴. الجاحظ، البیان والنبین، ج ۱، ص ۳۲۱.

تعداد کتب و آثارش به صدها جلد می‌رسید، که به کتابخانه‌
العادلیه واگذار شده بود. طبق نظر یکی از مورخین البرلالی^{۲۳}،
تعداد این موارد به شصت جلد و چهارده مجموعه می‌رسید.^{۲۴}
مورخ معروف ابوشامه، مؤلف کتاب الروضتین تمام کتابخانه
شخصی خود را که مشتمل بر شمار زیادی از کتاب‌ها در موضوعات
متنوع اسلامی بود، به این کتابخانه (العادلیه) اهدا کرده بود.^{۲۵}
التاج الکندی یکی از علمای بزرگ دمشق بود. او زبان شناس،
نثر نویس، شاعر و لغوی بود. وی معلم خصوصی پادشاهان
ایوبی چونان امجد بهرام شاه، عزالدین فرخ شاه، و ملک المعظم
عیسی بود. او در یک مقصوره (حجره خصوصی) در مسجد
بنی امیه، مشهور به «المقصورة التاجیه» تدریس می‌کرد. این
مکان در حاشیه شمال شرقی مسجد قرار داشت. این مقصوره
حاوی یک کتابخانه عمومی نیز بود. ابوشامه مورخ، فهرستی از
این کتابخانه را به دست خط تاج الکندی به دست آورده بود.
شمار کتب به ۷۶۱ جلد می‌رسید که تقسیمات آن به شرح زیر
است:

- الف. علوم قرآنی، حفظ، تفسیر و قرائت یا تجوید، ۱۴۰ جلد؛
ب. علوم حدیث و اصطلاحات ویژه آن، ۱۹ جلد؛
ج. علم فقه و اصول آن، ۳۹ جلد؛
د. زبان عربی، ۱۴۳ جلد؛
هـ. ادبیات، بلاغت و معانی، ۱۲۲ جلد؛
و. صرف و نحو، ۱۷۵ جلد؛
ز. علوم قدیمه پزشکی و غیره، ۱۲۳ جلد.
کتابخانه دارای شماری فهرست و نمایه بود. کلیه کتبی را که
کتابخانه دریافت می‌کرد، در فهرست درج می‌شد.^{۲۶}
سوی کتابخانه‌های عالمان دینی، فقها و ادبا، کتابخانه‌های
شخصی نیز در منازل خلفا، امرا و ثروتمندان موجود بود. دلیل
۱۵. الاصفهانی، ابونعیم، اخباراصبهان (لیدن: بریل، ۱۹۳۱)، ص ۸۵.
۱۶. ارباب القرطبی، صلة التاريخ الطبری (المکتبة التجاریه، قاهره، ۱۹۳۹)،
ص ۸۴.
17. house
۱۸. نفع الطب، ج ۱، ص ۳۶۲.
۱۹. همان، ج ۱، ص ۳۶۲.
۲۰. یاقوت، معجم الامباء، ج ۴، ص ۲۵۹.
۲۱. این آمار دور از اغراق نیست.
۲۲. صلاح الدین المختار، قواعد فهرست المخطوطات العربیه، ص ۱۶.
23. Al-Barlali
۲۴. یاقوت الحموی، معجم البلدان، ج ۶، ص ۲۵۹.
۲۵. همان، ص ۱۶. نیز نگاه کنید به: ابن کثیر، البدایة و النهایة، ج ۱۴،
ص ۱۳۴.
۲۶. صلاح الدین المختار، پیشگفته، ص ۱۶-۱۸.

وجود داشت که دارای شمار زیادی کتاب در علوم مختلف بود.
احمد المدینی (متوفی ۲۷۲ق) نیز مالک کتاب‌های بسیاری
بود.^{۱۵} به نحوی مشابه، کتابخانه محمد زکریای رازی (متوفی
۳۱۱ق) دارای تعداد زیادی صندوق‌های بزرگ انباشته از کتاب
بود. محمد بن نصر الحاجب (متوفی ۳۱۲ق) نیز مجموعه
بزرگی از کتاب در موضوعات مختلف داشت.^{۱۶} علاوه بر این،
گفته می‌شود که ابوبکر الصولی صاحب یک سرای^{۱۷} بزرگ پر
از کتاب بود.

در میان بزرگ‌ترین کتابخانه‌های شخصی اسلامی، کتابخانه
بنومروان بود. فقط تعداد فهرست عناوین کتب بالغ بر چهل و چهار
جلد می‌شد که برخی از آنها شامل عناوین ادبی بود.^{۱۸}
کتابخانه مذکور توسط خلیفه اموی (حکم ثانی) به وجود
آمد. خلیفه مزبور علاقه زیادی به ایجاد و گسترش این کتابخانه
به منزله یادگاری از خویش داشت. برای این منظور، وی کارگرانی
را جهت اکتساب کتب به کشورهای مختلف اعزام کرد. نقل است
که وی آرزو داشت کتاب معروف الاغانی را از ابوالفرج، که وی
آن را به خاندان بنی امیه تقدیم کرده بود، به تملک درآورد. بر این
قرار، هزار دینار طلای خالص فرستاد تا ابوالفرج، قبل از خروج
به عزم عراق، نسخه‌ای از آن را برایش ارسال کند. حکم به منظور
بنیاد و توسعه کتابخانه شخصی خویش نساخان ورزیده را در
سرای خویش استخدام کرده بود که در استنساخ ماهر و در صحافی
شایسته بودند.^{۱۹}

یاقوت نقل کرده که کتابخانه صاحب بن عباد (متوفی
۳۸۵ق) دارای ۶۲۰۰ جلد کتاب بود که فهرست‌های آن به تنهایی
شامل ده جلد می‌شد.^{۲۰} به علاوه در حالی که کتابخانه‌العزیز
الفاطمی دارای ۱/۶۰۰/۰۰۰ جلد کتاب بود،^{۲۱} مجموعه
کتاب‌های وزیر مهلبی شامل ۱۱۷/۰۰۰ جلد می‌شد. به همین
صورت، شمار کتاب‌های عصامه بن منقح به ۴۰۰۰ جلد می‌رسید
که توسط صلیبیون به غارت رفت. وی با ناراحتی از این واقعه
حزن‌انگیز، می‌گفت: «فقدان این کتب دلیل غصه‌ام در طول
زندگی است.» به علاوه طبق بیان قفطی، ابن سینا گفته است که
از نوح بن منصور، سلطان بخارا درخواست کرده بود که اجازه
دهد تا از آنچه در کتابخانه صوان الحکمه بود، آگاهی یابد. وی
گفته که تقاضایش مورد قبول واقع شد و به فهرست کتاب‌های
الاوائل دست یافت و هر آنچه را نیاز داشت، درخواست می‌کرد.^{۲۲}
در طول بیماری ابن تیمیه در سال ۷۲۸ق که موجب فوتش
شد، از هرگونه نگارشی منع شده بود، لذا تمام کتب، کاغذ،
دوات، و قلم‌ها از دسترس او دور بود. اما قبل از بیماری انبوهی
از مطالب مکتوب را از خود به یادگار گذاشت. روایت شده که

نوعی جدید از کتابخانه شد. کتابخانه عمومی این گونه کتابخانه‌ها با کتابخانه‌های مساجد و کتابخانه شخصی تفاوت داشت؛ زیرا از نظر فضا بزرگ‌تر بود و مجموعه بیشتری را دربر می‌گرفت.

نخستین بار کتابخانه‌های عمومی زمانی ظاهر شد که پیش از آن کتابخانه‌های مساجد و شخصی تأسیس شده بود. لذا این کتابخانه‌ها، در کنار نهادهای مشابه خود قرار گرفت و نقش اصلی و فعالی را در زمینه دانش و آموزش اسلامی ایفا کرد. در طول چندین قرن، میراث فرهنگ اسلامی را نگهداری کرده و در مقابل عواملی چون اتلاف، خسارت، یا دزدی حفظ می‌شدند. این موضوع به وضوح پیشرفت اسلام را در گرایش معنوی سودمند خود نشان می‌دهد.

از دیدگاه تاریخی، نخستین کتابخانه عمومی در دو دهه ۶۱۴-۶۱۰ هجری قمری در دمشق تأسیس شد. این کتابخانه که به نام بیت الحکمه بود، در ساختمان بزرگی بنا شده و مجموعه بزرگی از کتاب داشت.

جانشین وی خالد نیز یک کتابخانه عمومی با موضوعات خاصی بنا کرد. وی تعداد زیادی کتاب را به خصوص در حوزه شیمی جمع‌آوری کرده و به آنها علاقه داشت. به جهت علاقه ویژه به این زمینه، مجموعه عظیمی از کتاب‌های شیمی را فراهم آورده و نظم و ترتیبی برای ترجمه عربی کتاب‌هایی که درباره این موضوع بود، ترتیب داد. بر این مبنا مبالغ قابل توجهی صرف می‌کرد. در حقیقت او نخستین شخصی است که ترجمه آثار یونانی و قبطی را به عربی مورد توجه قرار داد. ۲۷ در نتیجه، به لحاظ تشویق فراوان برای تألیف کتاب در حوزه شیمی، شماری از کتاب‌های ترجمه، پدیدار گشت. هنگامی که عباسیان بر مسند قدرت نشستند، خلیفه المنصور (۱۳۶-۱۵۸ ق) توجه بسزایی به کتاب و کتابخانه داشت و بزرگ‌ترین کتابخانه را در بغداد موسوم به «دارالحکمه» تأسیس کرد. این کتابخانه، بزرگ‌ترین کتابخانه عمومی اسلامی در این دوران به شمار می‌رفت. المنصور، تلاش برای تهیه و تألیف موضوعات اسلامی متفاوت را به طور کلی مورد تشویق قرار داده و اقدامات ویژه‌ای برای ترجمه آثار یونانی در موضوعاتی مانند طب، نجوم، و فلسفه به عربی ترتیب می‌داد. زمانی که شماری چند آثار ترجمه فراهم گردید، خلیفه این مواد را در «دارالحکمه» جای می‌داد. در همان زمان وی دستور داد تا از تمام کتاب‌های ترجمه و تألیف برای استفاده شخصی استنساخ شود و با دیدگاه اشاعه دانش در میان

۲۷. ابن ندیم، الفهرست، ص ۱۰۷-۱۰۸.

اصولی استقرار این کتابخانه‌ها، تعلیم و تربیت و احراز شخصیت نزد درباریان و بستگان آنها تلقی می‌شد، و به نحوی آشکار، با این هدف ایجاد شد تا شاید گروه معدودی از مردم، از جمله دوستان، همکاران، علما و پژوهشگران از آنها بهره‌مند شوند.

وضعیت کتابخانه‌ها در طول زندگی پستیپایان آنها چنین بود. بعد از وفات، برخی از کتابخانه‌ها به خاطر علاقه طالبانی که در جستجوی علم بوده، یا به عنوان جانشین‌های رسمی که علاقه مند به کتاب بودند، به ارث باقی می‌ماند. در مواردی هم آنها به کتابخانه‌های مساجد، کتابخانه‌های مدارس یا کتابخانه‌های عمومی بخشیده می‌شد. گاه مجموعه کتب یک عالم متوفی به دست خریداران کتاب می‌رسید. بعدها، علما صاحب کتابخانه‌های شخصی شدند که آنها را از فروشندگان کتاب خریده و در کتابخانه خویش حفظ می‌کردند.

با افزایش فتوحات اسلامی، فاتحان تعداد بسیاری از کتاب‌های مهم در موضوعات مختلف را در سرزمین‌های فتح شده، به دست آوردند. آنها از کتب به خوبی نگهداری کرده، و افراد اهل مطالعه از آنها استفاده می‌کردند، و اقدامات لازم را برای ترجمه کتب مفید به زبان عربی انجام می‌دادند. در کنار فعالیت‌های ترجمه، کتاب‌های مستقل تألیفی هم آغاز به نوشتن شد. در نتیجه، شمار زیادی کتاب و آثار ترجمه شده در رشته‌های مختلف از موضوعات سودمند حاصل شد. خلفای بزرگ و امرا نیز علاقه وافری به کتاب داشتند، و مبالغی به علمای مذهبی و مؤلفین برای فعالیت‌های فرهنگی اهدا می‌کردند. برخی از آنها به نویسندگان، برابر وزن کتاب پلاهدیه می‌دادند. این کار به منظور تشویق به ترجمه و تألیف صورت می‌گرفت تا علائق ذهنی علما و نویسندگان دنیای اسلام را به سوی اعتلا سوق دهد. این تشویق در فعالیت‌های ترجمه و تألیف تحولی در جنبش فرهنگی به وجود آورد که کتاب‌های بسیاری را به رشته تحریر در آورد. با افزایش تعداد کتب، شمار کتابخانه‌های شخصی و عمومی بیشتری تأسیس گردید. ممالک اسلامی در بنای کتابخانه‌های عمومی در شهرهای عمده در رقابت با یکدیگر بودند. به نحوی مشابه خلفا، علما، فقها، و مؤلفین در تأسیس کتابخانه در مساجد، کاخ‌ها، منازل، مدارس، و مناطق مرزی احساس افتخار می‌کردند. از علما انتظار می‌رفت که بر این کتابخانه‌ها مراقبت کرده و در مجموعه موجود آنها، امکانات مفیدی فراهم کنند. بر این قرار، به منظور تقویت کتابخانه‌ها و نتایج سودمند، کمک‌های مالی عظیمی توسط خلفا، امرا، و اغنیا صرف می‌شد. این عمل موجب پیدایش

کتابخانه بزرگی بنا می کردند. نقل است که در دنیای اسلام، سه کتابخانه عظیم وجود داشت که شاید به منزله بزرگ ترین کتابخانه ها به شمار می آیند.

نخستین مورد، کتابخانه خلفای عباسی معروف به دارالحکمه بود. این کتابخانه دارای آثار ارزشمندی بی شماری بود. کتابخانه مزبور تا عصر تهاجم تاتار به بغداد در سال ۶۵۶ق باقی ماند؛ زمانی که واپسین خلیفه عباسی توسط هلاکو به قتل رسید. در این تهاجم، کتابخانه مزبور تخریب شد و به کلی چنان ویران گردید که هیچ اثری از آن موجود نیست.

از بزرگ ترین کتابخانه های دنیای اسلام، کتابخانه فاطمیان در قاهره و کتابخانه امویان در قرطبه بود. این کتابخانه ها، نقش عمده و مهمی در حفظ میراث اسلامی داشتند.^{۲۲} تنها خلفا و شاهزادگان اموی و عباسی در پیدایش کتابخانه های عمومی مؤثر نبودند، بلکه بسیاری از کشورهای اسلامی آن دوران نیز علاقه و توجه مشابهی به کتاب و کتابخانه، آن گونه که در عصر اموی و عباسی بود، از خود نشان دادند. بنابراین بی تردید، شمار زیادی از کتابخانه های عمومی در دنیای اسلام پس از آن تحت عنوان هایی چون «بیت الحکمه»، «دارالحکمه»، «دارالعلم» یا «خزانة الکتب» پی ریزی گردید. بدون ارائه فهرستی کامل، کتابخانه های ذیل، که در آن زمان در کشورهای اسلامی تأسیس گردید، در این جا به عنوان نمونه ذکر می شوند:

۱. بیت الحکمه: تأسیس توسط اقلیدس^{۲۳} در قیروان در

اواخر قرن سوم هجری.

۲. دارالحکمه: تأسیس توسط فاطمیان در قاهره در اواخر قرن چهارم هجری.

۳. دارالعلم: تأسیس توسط الحکیم الفاطمی در قدس.

۴. خزانة الحکمه: تأسیس توسط القتیح بن خاقان، وزیر المتوکل. بنیانگذار این کتابخانه در سال ۳۴۷ق به قتل رسید. درباره این کتابخانه، ابن ندیم آورده: «از جهت بهترین و عالی ترین مجموعه کتاب در علوم و ادبیات، آن را بزرگ ترین کتابخانه یافته ام.»

۲۸. صلاح الدین المختار، قواعد فهرست المخطوطات العربیه (بیروت، دارالکتب الجدید، ۱۲۹۶ق)، ص ۱۳.

۲۹. عبدالستار الحلوجی، لمعات من تاریخ الکتب والمکتبه، ص ۳۴.

30. Book Binding

31. Binding works

۳۲. همان، ج ۱، ص ۴۶۶. نیز نگاه کنید به: عبدالرحمن عمیره، پیشگفته، ص ۸۱-۸۲.

33. Aghlabides

امت اسلامی آنها را به کشورهای متفاوت اسلامی ارسال می کرد.^{۲۸} در عصر سلسله مزبور، خلیفه هارون الرشید (۱۷۰-۱۹۳ق) نیز به دارالحکمه توجه داشت و افزایش قابل توجهی در مجموعه موجود خلیفه المنصور به وجود آورد. او تعداد زیادی از کتاب های عربی اصل و ترجمه و نیز کتاب هایی به زبان های دیگر که اکثر آنها را در طول فتوحات در سرزمین های روم و در بازارهای آسیایی و نقاط دیگر فراهم آورده بود، به این کتابخانه افزود. وی کلیه این مواد را در کتابخانه «دارالحکمه» برای استفاده علمای مذهبی، فقها، و ادبا به امانت گذاشت. به اضافه، خلیفه آثار تألیفی و ترجمه را نیز تشویق کرده و بدین منظور هدایا و جوایزی ارائه می کرد.

در دوره خلافت مأمون (۱۹۳-۲۱۸ق) فعالیت های ترجمه و تألیف کتاب رشد بیشتری یافت. وی کتاب هایی از کشورهای مختلف دنیا را جمع آورد و مترجمانی را برای برگرداندن کتاب ها به زبان عربی منصوب کرد. در نتیجه، در طول قرون دوم و سوم هجری قمری، جنبش ترجمه و تألیف تحول عمیقی را به دست آورد. این دوره با ظهور کاغذسازی و توسعه آن همراه بود. بر این قرار، کاغذسازی به سرعت رشد یافت و مردمی که به این حرفه جلب شده بودند، به عنوان مستنسخ یا وراقون معروف بودند.^{۲۹}

طبق نظر ابن خلکان، این وراقون معمولاً کار استنساخ و تصحیح و تجلید^{۳۰} کتاب را بر عهده داشتند. در عصر ما، شاید این کارها با چاپ و صحافی کتاب^{۳۱} مورد مقایسه قرار گیرد. وراقون برای این صنعت جدید بازار بزرگی در بغداد به دست آوردند که در آن بیش از یک صد مغازه کاغذفروشی وجود داشت. این مغازه ها نه فقط محلی برای استنساخ و تجلید بود، بلکه یکی از بزرگ ترین اماکن و عظم علمای و شعرا و محل دیدار افراد صاحب فرهنگی بود که خود را با هر مطلب جدیدی در دنیای کتاب سرگرم می کردند. همچنین آنجا محل اجتماع بحث پیرامون عناوین ادبی مختلف بود.

از جمله نویسندگان و عالمان برجسته این دوران فترت امام شافعی (متوفی ۲۰۴ق) مؤلف بیش از صد جلد کتاب، جابربن حیّان (متوفی ۲۱۰ق) مؤلف بیش از سیصد اثر، جاحظ که بیش از صد ویست جلد کتاب تحریر کرد- آن چنان که در آغاز حیوان ذکر می کند- و محمد بن زکریای الرازی (متوفی ۳۱۱ق) نویسنده بیش از دویست و پنجاه کتاب مشاهده می شود. با گفتگو درباره کتابخانه های مشهور در اسلام، قلفشندی در صبح الاعشی می گوید: «در دوران اولیه، خلفا و پادشاهان به مجموعه سازی کتاب علاقه زیادی داشته و توجه وافر داشتند. در نتیجه

درسی جدید را داشتند. هنگامی که خلیفه الناصرالدین العباسی در سال ۵۸۹ق / ۱۱۹۳م به خلافت رسید، توجهی به تجدید بنای مدرسه و کتابخانه مبذول داشت و شماری از کتاب های ارزشمند و نایاب را که به سهولت قابل دستیابی نبود، به آن اضافه کرد. نقل شده که شمار فهرست های آن به تنهایی به بیش از شش هزار جلد بالغ می شد.^{۳۵}

۱۴. خزانه المدرسة المستنصریه: مدرسه المستنصریه توسط خلیفه عباسی المستنصر در سال ۶۳۲ق / ۱۲۳۳م در بغداد بنا شد. این مکان با دانشگاه در دوران نوین قابل مقایسه است. نقل است که شمار کتاب های آن در روز گشایش، به هشتاد هزار جلد می رسید.^{۳۶}

۱۵. خزانه القاضي الفاضل: به نام بنیانگذار آن قاضی الفاضل، وزیر صلاح الدین (۵۹۶ق) نام گرفت. این کتابخانه در مدرسه الفاضلیه در دمشق تأسیس شد.

۱۶. خزانه المدرسة الاشرفیه: توسط الملك الاشرف ماسوسی بن العادل الايوبي (متوفی ۶۳۵ق / ۱۲۳۷م) بنیاد گذاشته شد.

۱۷. خزانه المدرسة العادلیه: تأسیس در دمشق توسط العادل، برادر صلاح الدین (متوفی ۶۱۵ق / ۱۲۱۸م)، دارای مجموعه بزرگی از کتاب بوده است.

۱۸. دیگر کتابخانه های مدارس دمشق، عبارتند از: اشبیلیه، البدیه، السیفیه، التتکزیه، دارالحديث، النوریه، دارالحديث الاشرفیه، و دارالحديث الדיانیه

۱۹. مکتبه النوریه و مکتبه الخانقاه السیاسیه. این دو کتابخانه در دمشق تأسیس شد.

۲۰. مکتبه المدرسة الفاضلیه در قاهره. این کتابخانه توسط قاضی الفاضل ساخته شد، و در آن یک صد هزار جلد کتاب گرد آمد.^{۳۷}

بر این قرار شاهد بوده ایم که عامه مردم و علما توجه دقیقی به جمع آوری کتاب در گذشته دور مبذول می داشتند. در نتیجه این توجه، کتابخانه های عمومی و خصوصی در مساجد، کاخ ها، منازل شخصی، و نظامیه ها و مدارس دینی از اواخر قرن چهارم هجری ظاهر شدند. با این احوال، ضروری است تا اشاره ای خاص به مدارس نظامیه حواجه نظام الملک که در شهرهای

۵. خزانه الحکمه: پیدایش توسط علی بن یحیی المنجم (متوفی ۲۷۵ق / ۸۸۸م). این کتابخانه در حومه قفص^{۳۴} قرار داشت. علمای شهرهای مختلف نه فقط، غالباً از آن دیدار کرده، بلکه در آنجا اقامت گزیده تا با کتاب هایی در موضوعات مفید گوناگون بهره مند شوند.

۶. دارالعلم: تأسیس به وسیله جعفر بن حمدان الموصلی (متوفی ۳۲۳ق / ۹۳۴م). در موصل یاقوت توصیف این کتابخانه را با چنین بیانی ارائه می کند: «این کتابخانه مشتمل بر یک مجموعه کتاب در تمام علوم بود. برای استفاده کلیه پژوهشگرانی که به دنبال دانش بوده، چونان میراثی قرار داده بودند. بر این قرار هیچ کس مانع دسترسی به آن نمی شد. حتی اگر یک غریبه مایل به ورود به کتابخانه بود، مانعی برای او وجود نداشت.»

۷. دارالعلم: تأسیس توسط شاپور بن اردشیر در بغداد به سال ۳۸۳ق. شمار کتب آن به ده هزار جلد می رسید که فهرست خاصی برای آنها تهیه شده بود.

۸. صوان الحکمه: تأسیس توسط منصور بن نوح سامانی، که در بخارا به سال ۳۶۶ق وفات یافت. کتابخانه مزبور دارای آثار جالب بسیار زیادی بود.

۹. دارالعلم: تأسیس توسط الشریف الرازی (متوفی ۴۰۶ق)

۱۰. دارالعلم: تأسیس توسط ابن البقاء، قاضی القضاة بصره که در سال ۴۹۹ق / ۱۱۰۶م وفات یافت.

۱۱. دارالعلم: بنیاد آن در بغداد توسط ابن المارستانی است که در سال ۵۹۹ق / ۱۲۰۳م وفات یافت.

۱۲. کتابخانه الحکم ثانی: امویان اسپانیا نیز توجه خاصی به جمع آوری و نگه داری کتاب داشتند. بر این قرار کتابخانه خلیفه الحکم ثانی به جهت نسخ خطی نایاب در موضوعاتی چونان علوم اسلامی، زبان عربی، تاریخ، طب، و فلسفه بسیار معروف بود.

۱۳. کتابخانه های نظامیه: علاوه بر کتابخانه های یاد شده، چهارمین گونه از کتابخانه ها به منزله کتابخانه های تخصصی معروف بود. در آغاز این کتابخانه ها در مدارس بزرگ و دیگر مؤسسات علمی دنیای به وجود آمد. قدیمی ترین آنها، کتابخانه نظامیه در بغداد بود. این کتابخانه توسط وزیر سلجوقی، حواجه نظام الملک (متوفی ۴۸۵ق / ۱۰۹۲م) ایجاد شد تا نیازهای نظام آموزشی جدید معرفی شده به وسیله وی را رفع کند. از دیدگاه تاریخی، گونه کتابخانه های مذکور، با ظهور مدرسه نظامیه در بغداد طی نیمه دوم قرن پنجم هجری ظاهر شد. به همین صورت، کلیه مدارس جدید به شیوه مدارس نظامیه ساخته شد که با کتابخانه ای غنی تجهیز می شد، که کتاب های مرتبط با برنامه های

34. Qafas

۳۵. ابن القوطی، الحوادث الجماعه والتجارب النافعه فی المائة السابعة (بغداد، المکتبه العربیه، ۱۹۳۲)، ص ۵۴.

۳۶. ابن اثیر، الکامل فی التاريخ، ج ۸، ص ۲۲۹.

۳۷. تقی الدین المقریزی، المواظف والاعتبار بذكر الخطط والآثار، ج ۱، ص ۴۰۹.

گردید. علاوه بر این، تشویقی گران برای گردآوری، مقابله^{۳۹}، تنقید^{۴۰} و رده بندی کتاب مبذول شد. به اضافه، تلاش در استنساخ از کتب مهم نیز تسریع یافت. در نتیجه این فعالیت های فرهنگی، دکان هایی برای فروش کتاب پدید آمد. نخستین بار کتابفروشی ها در اوایل دوران عباسیان ظاهر شد. پس از زمانی کوتاه، با سرعت بسیاری مغازه هایی چند در مراکز و شهرهای عمده دیگر دنیای اسلام گشایش یافت.

در این قسمت باید به این مطلب توجه کرد که از ابتدای ظهور اسلام مشعل آموزش، دینداری و پارسایی به همراه دین مزبور بود. کتاب الهی، قرآن کریم، که منبع قانون اسلام بود، اساس تفکر اسلامی را فراهم آورد. در حالی که کتابخانه های اسلامی، نقش اصلی را در تحول مجموعه کتب اسلامی ایفا می کرد، شمار زیادی از آثار را در موضوعات مختلف اسلامی جمع آوری و بدین طریق میراث اسلامی را در گذر زمان حفظ می کرد. لیکن در زمان تهاجم اقوام وحشی و استعمار ملت اسلام به دست مغول ها و صلیبیون، کتابخانه ها به شدت خسارت دیدند، و نخستین قربانیان این حملات وحشیانه تلقی می شوند. در حالی که برخی از این کتابخانه ها کاملاً در آتش به خاکستر تبدیل شد، برخی مورد دستبرد قرار گرفته و توسط مهاجمان به بیگما رفت. با توجه به کتابخانه های موجود، همان توجه و مراقبت صحیح به کتابخانه های مزبور مبذول نمی گردید. در مدت زمان کوتاهی این کتابخانه ها به مخزن هایی مبدل شد، اما در قرن بعد مجدداً شروع به شکوفایی کرده، مستمر آ رشد یافت.

کتابخانه های اسلامی که پیش از این موسوم به «خزانة الکتب» و سپس به نام «مکتبه» یا «دارالکتب» شناخته می شد، نقش عمده ای را در زندگی فردی و اجتماعی به منظور فراهم آوری مواد فکری و ساختار آرمان های عمومی ایفا می کرد. اجازه دهید، دریابیم که چه نقشی کتابخانه های اسلامی به عهده داشت و چرا تا این حد اهمیت دارد.^{۴۱}

نقش کتابخانه های اسلامی در جامعه اسلامی

کتابخانه های اسلامی سرچشمه میراث اسلامی اند و وظیفه بسیار مهمی را انجام داده و خدمات مذهبی زیادی را فراهم ساخته اند. برای دستیابی به این خدمات، ایجاد مساجد معمولی چونان مساجد جامع با پیدایش کتابخانه ها در حاشیه این مساجد الزامی

۳۸. الجاحظ، کتاب الحيوان، چاپ فوزی عطاوی، ج ۱، ص ۳۳-۳۵.

39. Collation

40. review

۴۱. عبدالرحمن عمیره، پیشگفته، ص ۸۴.

مختلف دنیای اسلام بنا گردید، مبذول شود. این مدارس دارای کتابخانه هایی با مجموعه های غنی بود که کتاب های نایاب و نسخ خطی را دربرداشت. مجموعه این کتابخانه ها به مرور زمان و با گسترش فرهنگ و تمدن اسلامی به نحو مداوم افزایش می یافت. در حالی که زمینه دانش و سعت می یافت، مطالعه در نظام های گوناگون رشد می کرد و با جدیت ترغیب می شد. پی آمد آن، کار تألیف و انتشار، به ویژه در زمینه های دینی، زبانشناسی، و علوم انسانی از جذابیت زیادی برخوردار بود. عشق به کتاب و توجه به ایجاد کتابخانه های عمومی و شخصی، نه تنها در طول دوره امویان و عباسیان و پس از آن ادامه یافت، بلکه تا عصر حاضر باقی است. جاحظ با توصیف ارزش کتاب و تأثیر آن بر زندگی جامعه اسلامی می گوید:

کتاب همدمی است که حوصله شما از آن سر نمی رود؛ یاری که کسالت آور نیست؛ شریکی که از آنچه حاصل کرده اید محروم تان نمی کند؛ دوستی که در معامله ریایی نمی ورزد؛ رفیقی که با دروغ شما را به دام نمی اندازد. با مطالعه کتاب دانش آدمی فزونی یافته، هوش اضافه شده، توان سخنگویی را افزوده، وسعت کلام را فزونی بخشیده، فکر را وسعت بخشیده، احترام مردم و اعتماد به نفس را جهت دار می کند. علاوه بر این، از کتاب در طول یک ماه مطلبی فرامی گیرید که در طول سال ها از زبان مردم قادر نیستید. به علاوه، کتب در شب چونان روز در خدمت شما بوده، در ایام اقامت در خانه و نیز مسافرت ها در حضور شماست. از خستگی به جهت بی خوابی و بیزاری از بیداری طویل، شکایت نمی کنند. آموزگاران که هرگاه به آنها نیازمند باشید، دسترسی به آنها مشکل نیست؛ در صورت قطع رابطه با شما مقابله به مثل نمی کند؛ هرگاه خود را دور نگاه دارید، از خدمت به شما غافل نخواهد بود؛ دشمنی های مخالفان را علیه شما بر نمی تابد، تا زمان همنشینی با آنها به شخص دیگری نیاز ندارید و اجباری نیست تا تنهایی را بر شریکی نامطبوع ترجیح دهید. کتاب شما را از نگرانی های مالی و فقدان لذت و شادی در زندگی آسوده خاطر می دارد. در واقع، انس با کتاب، به منزله رحمتی بیکران است.^{۳۸}

پس جای تعجب نیست که مردم عشق و علاقه قابلی به کتاب نشان می دهند؛ زیرا در نتیجه شکوفایی، کتابخانه های بی شماری در اقصی نقاط دنیای اسلام ظاهر شده بود. به دلیل این موضوع، توجهی شایسته به فعالیت های ترجمه به وسیله خلفا و امرا به نحو رسمی پدید آمد و بخت و اقبالی کامل صرف آن

بود. بر این قرار، هر گاه مسجدی بنا می شد، کتابخانه ای نیز در حاشیه آن قرار می گرفت. بدین دلیل، مساجد تقریباً در تمام ممالک اسلامی مکان رایج برای شرکت در آموزش بوده و هنوز هم هست. در سال های اولیه، مساجد به منزله محلی برای دیدار تمام مسلمین، چه اعیان و اشراف و چه مردم عامی و متوسط نیز مورد استفاده قرار می گرفت. برای احقاق حق، رفع منازعه دسته های درگیر با هم، پرداخت وام بدهکاران، آماده سازی سپاهیان برای دفاع از قلمروهای مرزی، و دیگر مسائل زندگی اجتماعی، سیاسی، و فرهنگی از آن بهره می جستند. در حاشیه این مساجد کتابخانه هایی بود که علاوه بر نقش مذهبی، نقش علمی و اجتماعی را نیز به خوبی ایفا می کرد. با توجه به نقش علمی، کتابخانه ها به منزله یکی از مؤسسات آموزشی و تربیتی مهم سوئدمنند بود که به مانند مکاتب، مدارس، و مساجد توسط تمدن اسلامی ایجاد شد. مؤسسين مدارس بزرگ علاقه مند بودند تا کتابخانه هایی در حاشیه مدارس آنها بنا شود که دارای کتاب هایی در رشته های مختلف علوم اسلامی باشد. این کتابخانه ها بنیاد تعلیم و تعلم عملی را برای مسلمانان فراهم می ساخت.

کتابخانه در اسلام به منزله یکی از مراکز یادگیری، تحقیق، و نشر نیز به کار گرفته می شد. به این دلیل که کتابخانه ها، چنانچه در مساجد معمولی و جامع قرار داشت، شامل کتاب هایی در تمام رشته های علمی بود تا نیاز تحقیق و فضایل علمی را برآورده سازند. با این احوال، تعدادی از کتابخانه ها منحصرأدر خدمت فراگیری و تحقیق عالی یا حوزه تخصصی در زمینه ای ویژه از علوم بود.

تاکنون به عنوان نقش اجتماعی که از کتابخانه در نظر بوده، آشکار است که کتابخانه ها در اسلام هرگز مکانی زائد و انباشته از گرد و خاک نبود، که توسط افرادی بیکاره بهره جویی شود تا کاری جز اتلاف وقت در کتابخانه نداشته باشند. متقابلاً، کتابخانه اسلامی به عنوان هیأت های اجتماعی به معنای واقعی در خدمت مردم بودند، محلی که اعضای جامعه و ساکنین محلی شهر گرد هم جمع شده تا از زندگی اجتماعی لذت ببرند. بهترین نمونه چنین کتابخانه ای «کتابخانه بصره» بود. آن طور که حریری در کتاب مقامات در قرن ششم هجری با ارائه گزارشی روشن از نخستین نمونه کتابخانه اظهار می کند، «آنجا مجلس و محل ملاقات صاحبان دانش و میعادگاهی برای افراد است.» به واقع این کتابخانه، تنها گونه از نوع کتابخانه ها به این سبک نبود؛ بسیاری از کتابخانه های دیگر در دنیای اسلام بر این طریق وجود داشت.

علاوه بر نقش های مورد اشاره که به وسیله کتابخانه در جامعه اسلامی در طول قرون ایفا گردید، کارکردهای بسیاری که این کتابخانه ها فراهم می آوردند، موجود بود.

از آن دوره تا به عصر حاضر، به مرور، کتابخانه های اسلامی در حال توسعه بوده است. این کتابخانه ها با حداکثر مشارکت در فراهم آوری و افزایش میراث اسلامی دخالت داشتند. به علاوه مخازن دانشی شدند که عطش یادگیری عالمان دین، خلفا، امرا، طلاب، و دیگران را فرو می نشاند. آنها در مساجد، منازل علما، محدثان و ادبا، کاخ های خلفا و جانشین آنها، شهرهای بزرگ اسلامی و مؤسسات آموزشی گوناگون قرار می گرفت؛ چرا خلفا، عالمان دین و دانش پژوهان با یکدیگر در تأسیس این کتابخانه ها با یکدیگر رقابت می کردند. در واقع آنها کتابخانه را به منزله نماد رشد و توسعه و مظهر ملی فرهنگ و تمدن پیشرفته اسلام تلقی می کردند. بر این قرار تخریب و ویرانی کتابخانه اسلامی آماج اصلی و هدف عمده دشمنان اسلام و جامعه اسلامی بود. انگیزه نهانی دشمنان اسلام در تخریب کتابخانه ها مبتنی بر آن بود تا مصیبتی مرگ آور را بر تفکر اسلامی وارد کنند. بدین رو خیزش هلاکو خان در سال ۶۵۶ق، موجب شد تا کتابخانه «دارالحکمه» بغداد و «القضاء» را به خاکستر تبدیل کند.

بنابراین وظیفه اصلی مسلمین، توجه به هر نوع کتابخانه اعم از شخصی و عمومی است، تا به عنوان سرچشمه دانش به طور کلی و به ویژه در فراگیری علوم اسلامی مورد توجه قرار گیرند. به علاوه، باید بدون وسواس کوشش خود را در گردآوری کتاب ها و نسخ خطی نایاب و گرانبها مصروف کنیم. در دوران مدرن، کشورهای صاحب کتابخانه ها و میراث فرهنگی به این مجموعه ها احساس افتخار می کنند. ملل اسلامی و امت مسلمان بیش از دیگران شایسته این ادعا و افتخار هستند. بنابراین، بایستی به بنای کتابخانه ها به صورت کلی، و کتابخانه عمومی به خصوص در شکل نوین توجه لازم نمود و آنها را با بهترین متخصصین و آخرین ابزار و امکانات کتابداری تجهیز کرد. به علاوه، مراکز آموزشی باید اصلاح شود و در آنها میلیون ها جلد کتاب در موضوعات گوناگون مفید از زمینه های متنوع سازماندهی شود. بر این مبنا، از یک طرف، کتابخانه ها روابطی نزدیک و مستحکم تر با یکدیگر برقرار ساخته، از سوی دیگر پیوندهایی با ذخایر علمی دنیای دیگر ایجاد و برقرار کنند.

